

MANCHESTER
1824

The University of Manchester

[اناداپ, Apādānā (۱۴), Apadana (14)]

Source: *University of Manchester*

Stable URL: <https://www.jstor.org/stable/community.28163967>

Rights Notes: Rights Holder - Image: The University of Manchester Library

JSTOR is a not-for-profit service that helps scholars, researchers, and students discover, use, and build upon a wide range of content in a trusted digital archive. We use information technology and tools to increase productivity and facilitate new forms of scholarship. For more information about JSTOR, please contact support@jstor.org.

This item is being shared by an institution as part of a Community Collection.

For terms of use, please refer to our Terms & Conditions at <https://about.jstor.org/terms/#whats-in-jstor>



University of Manchester is collaborating with JSTOR to digitize, preserve and extend access to
University of Manchester

JSTOR



توقیف است

جای اداره خیابان لاله زار کوچه نکسا شماره ۳۳

پس از اجرای کامل قانون خلع ید بیاس فداکاریها و مبارزات

دلاورانه دور رهبر بزرگ اجتماع آیت الله کاشانی و دکتر مصدق شهر آبادان مجسمه این دور امر در شجاع را در آغوش خود جای خواهد داد

در جستجوی حقیقت «۴» نوشته تابناک

ناسیونالیسم یا کمونیسم؟

فروزش - با اندک دقتی برایش سابق بخوبی دانسته خواهد شد که عدم یک تعریف کامل درباره وطن و ملیت هیچگونه خللی بر بنیان استوار و محکم ملیت و میهن پرستی وارد نمیسازد. لذا تمام اشکالات جنابالی بدین ترتیب به سادگی برطرف گردید. زیرا تمام بیانات و حملات شما مبتنی بر این بود که چون نمی توانیم درباره وطن و ملیت تعریف جامعی نمایم پس ملیت و وطن پرستی نمونه ای از انحطاط فکر است و ما با برهان منطقی خود ثابت نمودیم که بسیاری از چیزها حقیقت و واقعیت دارند درحالیکه تعریف کاملی درباره آن ها نمیتوانیم بنماییم.

گرچه مسئله ملیت و وطن پرستی با توجه بمطالب مذکور تا اندازه ای روشن شد و تقریباً تمام اشکالات وارده بر آن بخوبی مرتفع گردید. لکن ما برای آن که بطور کلی هیچگونه تردیدی در آن باقی نماند اکنون بوسیله «برهان خلف» آنرا نیز اثبات مینماییم.

بطور کلی «برهان خلف» از اساسی ترین براهینی است که در روشهای استدلالی از آن استفاده های شایان میشود بویژه در علوم ریاضی که بسیاری از استدلالات ریاضی بر همین روش متکی است و آن بدین ترتیب است که هرگاه اثبات عین «قضیه» مطلوب آسان نباشد، بطلان «قضیه» مطلوب را نشان می دهیم و باتکاء اصل «عدم تناقض» که برحسب آن یکی از دو نقیض باطل و صحت دیگری مسلم است، با بدست آوردن بطلان نقیض مطلوب صحت مدعای خود را خود بشود اثبات نمودیم.

بنابر این در برهان خلف بدون اینکه علت آن دانسته شود عقل ناگزیر از پذیرفتن آنست. اکنون ما فرض میکنیم اثبات وطن پرستی و ملیت باسانی میسر نباشد و آنچه که قبلاً نیز درباره آن گفتیم نادیده گرفته و اینطور تصور می نمایم که اصولاً هیچ سخنی در اثبات ملیت و وطن پرستی نگفته و فعلاً میخواهیم بوسیله همین برهان آنرا اثبات کنیم بنابر این خواهش می کنم اگر اشکالی در این طریق بنظرتان میرسد بفرمایید که در هنگام بحث مواجه باهیچگونه تردیدی نشویم.

جهانبخشش - فکر می کردم که گفتگوهای ما در این باره از مراحل سطحی تجاوزی نمایی ولی خوشبختانه بر خلاف تصور خود اکنون ملاحظه میکنم که تقریباً بطور منظمی تکیه گاههای فکری ما تماماً بر اساس یک منطق صحیح جایگزین میشود و امیدوارم بدین ترتیب بتوانیم از مباهات خود بهترین نتیجه را بگیریم اما راجع باین که فرمودید آیا اشکالی من در روش شما دارم یا ندارم باید عرض کنم در باره اهمیت و ارزش عالی برهان خلف هیچگونه تردیدی ندارم و در صورتیکه شما بتوانید بار خود را بخوبی بنقل برسانید و بدین ترتیب واقعا مدعای خود را اثبات کنید شما اطمینان می دم که عقیده شما را پذیرم ولی اینکه بتوانید اثبات کنید یانه بعداً معلوم خواهد گشت من اصولاً نمی توانم رابطه ای بین مسئله ملیت و وطن پرستی و برهان خلف تصور کنم و شما چگونه فکر می کنید باید خواهد گفت.

فروزش - با توجه بروشی که من در باره اثبات مدعای خویش اتخاذ نموده ام ناگزیریم قبلاً بدانیم که نقیض ملیت و وطن پرستی چیست و فعلاً خوبست شما آنرا بطور خلاصه بیان کنید.

جهانبخشش - همانطور که عرض کردم دنیا باید بزیر یک پرچم واحد بوده و با تشکیل یک حکومت جهانی بشریید بخوبی و خونریزیهای کنونی حاتمیه بشود ولی شما معتقدید که بایستی هرملت تنها ملیت خویش توجه نموده و جز سر بلندی و بزرگی کشور خود آرزوی نداشته باشد و مسلم است که نقیض چنین اندیشه در حقیقت معتقدات خود من یعنی حکومت جهانی است.

فروزش - بنا بر این ما از این پس درباره حکومت جهانی سخن گفته و آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهم.

آیا اندیشه حکومت جهانی «خوب» است و بر فرض «خوب» بودن «آیا هر چه «خوب» است مفید هم است؟ آیا آرزوی حکومت جهانی اندیشه نوینی است یا سابقه دور و درازی در تاریخ دارد؟ سپس آرزومندان آن چه موفقیتی در این باره بدست آورده اند؟ آیا حکومت جهانی تنها جنبه تخیلی داشته و تحقق آن در خارج محالست؟ بر فرض که تحقق هم پیدا کرد آیا از آن بعد بدبختی های بشر واقعا پایان می پذیرد؟ یا آنکه تمام ملت های جهان در پناه این نام خوش خط و خال اسیر پنجه های ظالمانه عده معدودی میشوند؟ آیا این حکومت اکنون هم وجود دارد؟ نقطه ازدنیای فرمان روران جهانست و یا

در انتخابات فرانسه حزب

کمونیست با شکست سختی روبرو شد این شکست مشت محکمی است که بدنه های پادوسر این توله های نواخته میشود

کاستیکه با جراید سروکار دارند و از طرف پیششار از مطالعه هر روزنامه دیگری جز جراید پیششار دروغ پرداز متنوع نشده اند از شکست نکتت بار حزب کمونیست فرانسه در انتخابات آن کشور حتما اطلاع حاصل نموده اند این شکست همچنانکه برای میهن پرستان و ملیون و اقامی بشراتی روحی بخش شمار میرفت برای وطن پروران و نوکران سرسپرده کاخ کرم لین چون صاعقه مرگباری بود که بیکباره کاخ تخیلات شیرین ولی بی اساس آنها را درهم فرو ریخت.

در این انتخابات حزب کمونیست تا بحال بیش از نود کرسی خود را از دست داده و بدتر آنکه دو کلیت ها که از مخالفین سرسخت و لاجوج این حزب میباشد نیز قریب یکصد کرسی اضافه بدست آوردند و باین ترتیب ملت هوشیار فرانسه بزرگترین درس عبرت را بتمام کسانی که در سراسر

بقیه در صفحه ۴

جهان دانش انحطاط غرب

اسوالد اشپینگر

اندیشه سر نوشت واصل سببیت

(۶)
رشته غیر قابل تغییر و برگشت میباشد بشر اولیه این امر را بطور مبهم و اضطراب انگیز احساس میکند در حالی که برای یک بشر متدین آن باندازه کافی مشخص خواهد بود که بتواند آنرا در میدان تصور دید خویش در آورد اگر چه این تصور از راه صنعت و مذهب ارتباط و راه پیدا میکند نه از طریق دلائل و عقاید. هر زبان غنی و عالی یک مقدار کلمات از قبیل خوشبختی، سر نوشت بد، تصادف حسن آمادگی یافت میشود که در اطراف آن چنانچه ملاحظه میشود برده و با همی موجود است هیچ فرضیه و هیچ علمی هرگز نتوانسته در این مورد دسترسی بیدا کند که ما در هنگامی که در مفهوم و ژرفای این میگرد توجه کند و آن اینکه در خطو

بقیه در صفحه ۴

ما تاریخ صد و پنجاه ساله اخیر ایران را تاریخ سیاه و انحطاط مینامیم تاریخ صد و پنجاه ساله اخیر جز تنگ و سرشکستگی، جز ادبار و بدبختی، جز انحطاط و پراکندگی چیزی از خود بیادگار نگذاشته، در طول یک قرن و نیم گذشته یعنی پس از افول ستاره درخشان نادری تاکنون سعاد و خوشبختی چهره خویش را بر دم باز نشان نداده و بوم نکتت و پریشانی بر بام هر منزلی خانه گرفته و آهنگ تجزیه و پراکندگی از هر گوشه و کناری بصدای در آمده است.

دو دشمن دیرینه ایران در این مدت طولانی از ضعف و بیجالی رجال مزدور و خائن، از وضع متزلزل و خراب ایران استفاده کامل برده آشکارا با بیشرمی تمام در امور داخلی ما اظهار نظر کرده و بنفع خویش اقدامات تجاوز کارانه ای می نمودند، دستگاه سلطنت که حاکم پرچان و مال مردم بود تحت رژیم زورگویی ملت نجیب ایران را بزیر میهم می کشید و در حالیکه در برابر بیگانگان قدرتی نداشت و در دست آنان باز میماند و آلت اجرای مقاصد شوم آنان میگشت زور خود را به هم میبندان مانشان میداد.

بر اثر خوش رقصی این دستگاه فاسد بود که بیگانگان بر تمام شرا این زندگی مادت یافتند بر اثر سرپردگی و بیگانه پرستی این دستگاه بود که در این مدت طولانی تاریخ ایران با کلماتی سیاه گشته که دین و خوانین آنها هر ایرانی را اندوهگین و متاثر میسازد، به تاریخ صد و پنجاه ساله اخیر نظر کنید جز تجزیه شهر های ایران و قطعه قطعه شدن میهن ما، جز اعطای امتیازات خانانانوز که بیگانگان را بر همه چیز ما مسلط ساخته، جز قراردادهای خانانان ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ و جز از میان بردن امیر کبیرها و مردان میهن پرست، جز خیمه شب بازی و صحنه پردازی شهریور ۱۳۲۰ جز تجزیه آذربایجان چه می بینید؟

این همه بدبختی و ناکامی ملت ما را بسوی ناامیدی و انحطاط کشاند، طرز تفکر یک ملت زنده و نیرومند از میان مارت برست، شیوه های مردانگی و سروری جای خود را به افکار منحنط و پست به نومیدی و یاس سپرد، مردم ایران از این عوامل نیز بنبه خود زبانها و صدمات فراوانی پرورد، دشمنان با احساس این نقطه ضعف در ملت ما بیشتر به ترکانازی و غارت ثروت های ملی ما پرداختند تا سرانجام ندای تاریخ در گوش مردم مایوس و غفلت زده ایران به طنین درآمد و قلوب آسوده آنان نور امید را یافت سرانجام مردم دریافته اند که این همه بدبختی بر اثر نبودن وحدت و روح همکارگی است، مردم دریافته اند که این همه بدبختی زانیده کوتاهی است که آنها در مورد گرفتن حقوق واقعی خود از خویش نشان میدهند مردم دریافته اند که این همه بیچارگی از آنجا ناشی شده که آنها بجای

بقیه در صفحه ۴

یک هفته در ایران جهان

درايران ما
امروز که نفت ایران ملی شده و پرچم سه رنگ عزیز ایران بر فراز «جنرال آفیس» مقر اداره مرکزی شرکت سابق نفت افراشته شده است و ملت ایران با زور و دیرینه خود میرسد و بساط کیانی غارتگر را برمی چینه باز نوحه سرائیهای رادیو لندن بلندتر گشته گاه ی بطور

دلوزی و دوستانه و گاهی با تهدید صحبت میکند مانند این میباید که آنها از تصمیم نهایی ملت ما هنوز باخبر نشده اند که تازه روزنامه دلی تلگراف پس از مقدمه مینویسد «انگلتان اکنون مصمم است که رویه خودش را کاملاً با ایرانیان روشن سازد زیرا ایرانیان مسالمت و ارفاق را با ضعف اشتباه نموده اند...» این استعمارگران واقعا خود را به نفی زده اند و نمی دانند که ما با اینکه انگلستان ضعیف شده است با قوی و آرزوی مسالمت و ارفاق حاضر بذا که گشته یا غیره کار نداریم.

ملت ایران میخواهد نفت خود را خود استخراج کند و بول آنرا در کشور خود خرج نماید و آن بولیکه خرج مینماید و کاپاره ها و ساختنهای لوکس لندن میشود و بجنب اردن خرفت لندن میرود صرف بقیه در صفحه ۴

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

